مدیریتی متفاوت با نگاه به روایات و زندگی بزرگان و شهدای دفاع مقدس

بسم الله الرّحمن الرّحیم

پیامبر صلی الله علیه و آله می­فرمایند: کسی که کاری را بدون دانش و اگاهی انجام دهد فسادش بیشتر از صلاحش است.

توجه : در کنار رئیس شورای اسلامی یک فرد تحلیل گر و برنامه ریز قرار دهید زیرا عموماً رئیس مجموعه خیلی سرش شلوغ است و ممکن است به دلیل زیادی کارها، مسایل مهمی را از دست بدهد.

# فهرست

خط ارتباطی khatfarhangi.blog.ir

[فهرست 2](#_Toc4185371)

[1) جلسه بدون بسم الله : 6](#_Toc4185372)

[2) خودسازی 6](#_Toc4185373)

[2ـ2) نیّت جهانی 6](#_Toc4185374)

[3) با دروغ نمیشود 7](#_Toc4185375)

[داستانی از شهید بهشتی: 7](#_Toc4185376)

[4) پرهیز از غیبت 7](#_Toc4185377)

[5) بلای فضل الله المجاهدین علی القاعدین : 8](#_Toc4185378)

[6) موثرترین کار فرهنگی : 9](#_Toc4185379)

[7) ارزانترین کار فرهنگی: "سلام کردن " 9](#_Toc4185380)

[8) در خودسازی فنّی و حرفه‌ای فکر نکنید: 10](#_Toc4185381)

[9) ایده فرهنگی از شیطان: 10](#_Toc4185382)

[10) نظم: 11](#_Toc4185383)

[11) بیت ‌المال: 13](#_Toc4185384)

[12) توکّل 13](#_Toc4185385)

[13) اخلاص 14](#_Toc4185386)

[14) - در کار جمعی چیزی به اسم ناراحتی نداریم: 15](#_Toc4185387)

[15) و لو کنت فظاً غلیظ القلبک 15](#_Toc4185388)

[16) غرور 17](#_Toc4185389)

[17) آیندهنگری 17](#_Toc4185390)

[18) شرک فرد پرستی 18](#_Toc4185391)

[19) اگر نمیتوانید کاری را انجام دهید عذر خود را بگویید 18](#_Toc4185392)

[20) خود اتّهامی : تو خود فکر کن رهبر گروهی 19](#_Toc4185393)

[21) جلسه کاری 20](#_Toc4185394)

[22) نتیجه یا وظیفه 21](#_Toc4185395)

[23) شما که خوبید بیشتر بترسید : 21](#_Toc4185396)

[24) اگر ما را دعوت نمیکردند خودمان میرفتیم 21](#_Toc4185397)

[25) از دیگران بخواهید: شما اول بخواه بعد بگو نمیآیند 22](#_Toc4185398)

[26) هر جا هستید آنجا را مرکز عالم قرار دارد 22](#_Toc4185399)

[27) اگر چای دادن نیازه چای می‌دهم 22](#_Toc4185400)

[28) شهید باقری و توکل 23](#_Toc4185401)

[29) توجه بسیار به جوان و جوانی : یا ایّها العشرون و توجه به ایام مُحرّم 24](#_Toc4185402)

[30) اول تبلیغات و بعد دعوت از سخنران بزرگ 24](#_Toc4185403)

[31) مدیریت زمان 24](#_Toc4185404)

[32) انتقال تجربه و ایجاد رابطه و اطلاع رسانی 24](#_Toc4185405)

[33) شائبه های ناروا 25](#_Toc4185406)

[34) مطالعه زندگی فرماندهان شهید 25](#_Toc4185407)

[35) نقد درون گفتمانی و نقد پذیری 25](#_Toc4185408)

[36) یک لحظه به کارها بگو ایست، البته یک لحظه 26](#_Toc4185409)

[37) وقتی شما مستمعی خوب استفاده کن چرا که از این فرصتها کم گیر میاد 26](#_Toc4185410)

[38) شما خودت را با خدا صاف کن خدا خودش شما را با دیگران صاف میکند 26](#_Toc4185411)

[39) مدیریت از را دور نه ، مدیریت در صحنه 27](#_Toc4185412)

[40) استفاده از استعدادها در جای مناسب خود 27](#_Toc4185413)

[41) اگر ده دقیقه وقت دارید همین ده دقیقه و اگر 20 دقیقه و ... : 27](#_Toc4185414)

[42) درس و کار فرهنگی : سخن رهبری 27](#_Toc4185415)

[43) گاهی یک نیرو اثر ویژهای میگذارد که مدیر ندارد : داستان حضرت یونس (علیهالسلام) 28](#_Toc4185416)

[44) چگونه میتوان کار کرد ولی خسته نشد و بالاترین مزد را نیز دریافت کرد 29](#_Toc4185417)

[45) گزینش نا مَحسوس 29](#_Toc4185418)

[46) معاون تحلیل و بررسی 30](#_Toc4185419)

[47) همّت بلند در کارها داشتن 30](#_Toc4185420)

[48) اختلاف و عفو و بخشش 31](#_Toc4185421)

[49)ـ بیست میلیون بار بهشت و بیست میلیون بار جهنّم: 33](#_Toc4185422)

[52) ـ نیّت پاک 34](#_Toc4185423)

[53) ـ تغییر راهبرد در جهت مناسب : 34](#_Toc4185424)

[54) لزوم صبر : 34](#_Toc4185425)

[56) برنامهریزی برای سنهای مختلف : 35](#_Toc4185426)

[60ـ ظرفیت مسئولیت داشتن 36](#_Toc4185427)

[62ـ چند حدیث 36](#_Toc4185428)

[63ـ توکل بر خدا 37](#_Toc4185429)

# 1) جلسه بدون بسم الله :

اوایل جنگ بود. در جلسه­ای بنی­صدر بدون « بسم الله » شروع کرد به حرف زدن.

 نوبت که به صیّاد رسید به نشانه­ی اعتراض به بنی‌صدر که آن زمان فرمانده کل قوا بود، گفت: من در جلسه­ای که اولین سخنرانش بی آنکه نامی از خدا ببرد حرف بزند، هیچ سخنی نمی‌گویم.

# 2) خودسازی

2ـ1 ) نیّت : چگونه می­توان در یک مسجد کار جهانی کرد؟

دوستان اساسا بدانید روایتی هست به این مضمون که دو نفر مومن داریم که در همه جا و هر زمان با هم هستند و هر کاری را با هم می­کنند.

 ولی در لحظه­ای که به جهان آخرت می­روند یکی از آنها دیگری را می­بیند که اگر چه هر دو هرجا و هر زمان با هم بودند و در اعمال شبیه هم بودند ولی درجات دوستش خیلی بالاتر از اوست؛

آن مومن وقتی علت این تفاوت را در می­پرسد می­فهمد که در عین با هم بودن، در همه جا و همه کار دوست او نیّت خود را بالاتر قرار داده بود.

# 2ـ2) نیّت جهانی

شاید اگر چه من در نمازخانه­ای کوچک کار کنم ولی نیّت خود را بر این قرار می‌دهم خدایا من دارم برای سربازان گمنام حکومت جهانی امام زمان علیه‌السلام کار می‌کنم ؛

چون حکومت امام زمان علیه‌السلام جهانی است پس این کار من ثواب جهانی دارد است . پس نیّت خود را همواره بالا و بالاتر قرار دهیم.

یک نکته در احکام شرعی :

در مورد غسل داریم که می‌شود نیت چند غسل کرد و تنها یک غسل گرفت، نیّت غسل واجب مورد نظر را کرده و نیت غسل جمعه، غسل زیارت کربلا، غسل زیارت مشهد، غسل شهادت و ... کرد. (اگر جمعه غسل نکردید می‌شود قبل یا بعد آن غسل گرفت.)

#  3) با دروغ نمی­شود

# داستانی از شهید بهشتی:

عده‌ای الآن بهترین موقعیته، برای کمک به پیروزی انقلاب هم هست! نیت بدی هم که نداریم. آمار شهدای ١۵خرداد رو بالا می‌گیم، خیلی بالا، این ننگ به رژیم هم می‌چسبه!
بهشتی بدون تعلل گفت: با دروغ می‌خواهید از اسلام دفاع کنید؟ اسلام با صداقت رشد می‌کنه نه دروغ!

* یک سئوال دوستانه
* سوالی که همیشه امثال ما که در نظام اسلامی کار می­کنیم باید با خودمان مطرح کنیم این است که بالاخره هدف از این کارها و کارهای فرهنگی چیست؟ آیا ما نمی­خواهیم مردم را به سمت خدا حرکت دهیم؟ آیا ما نمیخواهیم خود و مردم را به سمت اسلام ببریم؟
* پس آیا با دروغ می­شود به سمت خدا رفت؟
* با عصبانیت چطور؟با غیبت چطور؟ با تمسخر و بدگویی درباره دیگران؟ و ...
* با زیر سوال بردن همه کارهای دیگران ؟آیا هیچ کار مثبتی ندارند.

# 4) پرهیز از غیبت

شخصی پیش پیامبر آمد و گفت: فلان مومن درباره­ی شما این چنین حرفی زد! .

پیامبر گفت : اگر راست گفتی، آبروی برادر مؤمنت را بُردی پس از چشم من افتادی.!

اگر دروغ گفتی : پس به برادر مومنت تهمت زدی و از چشم من افتادی .!

شخص بُهت زده ماند. بالاخره یا راست گفته یا دروغ و در هر دو حالت از چشم پیامبر اُفتاده است.!

 البته حضرت علی علیه­السلام گفت: برو توبه کن و دیگر این کار را نکن.

دوستان وقتی کسی می­آید پیش ما و می­گوید فلانی درباره­ی شما چنین گفت، ما چطور برخورد می­کنیم؟ !

ما تا ته حرفهایی که آن غیبت کننده زده و حرف­هایی که نزده و حرف­هایی که در گذشته زده و حرف­هایی که در آینده می­خواهد بزند، را در نیاوریم ؛ مگر بی­خیال می‌شویم،

کاش به همین بود اگر ما بودیم مگر می­گذاشتیم آن فرد غیبت کننده دیگر حرف بزند، تازه دیگر حق ندارد به مسجد ما بیاید و شیطان و شیطان و شیطان است و شیطان چقدر فعال‌تر از من و تو در این موضوع است که شیطان اساساً جایی که خوب است را خراب میکند.

شیطان با مَن و تویی که تو مسجد هستیم کار دارد نه با اون کسی که خودش از شیطان در بَدی کردن جلوتر هست.

# 5) بلای فضل الله المجاهدین علی القاعدین :

خداوند تبارک و تعالی در قرآن­کریم می­فرماید: " فضل الله المجاهدین علی القاعدین "

خدا مجاهدین در عرصه را از قاعدین و فرماندهان عرصه بالاتر قرار داده است. پس ای برادر فرمانده، بدان اگر پُست تو علی الظاهر بالاتر است ولی اَجر سربازانت از تو بالاتر است لذا

 اولاً : به نیروهات بگو که آنها چه جایگاهی دارند تا روحیه بگیرند و فعال­تر شوند.

دوما: شما خودتون نیز برخی اوقات کارهای اجرایی مثل جمع کردن آشغال و تمیزکردن دستشویی را انجام دهید.

شما زندگی فرماندهان جَنگ را ببینید :

* توی تدارکات لشکر، یکی دو شب، می‌دیدیم ظرف‌های شام را یکی شُسته است. نمی‌دانستیم کار کی است. یک شب مچش را گرفتیم. آقا مهدی بود. گفت: "من روز نمیرسم کمکتون کنم، ولی ظرف‌های شب با من."

سوما : از طرفی شما که رئیس هستید باید بیشتر بترسید و نیمه شب از

خواب بیدار شوید و در سجده و گریه از خدا بخواهید از این مسئولیت (آزمایش) که به شما داده موفق بیرون بیاید، بیت­المال هست، آه یتیم ...

# 6) موثرترین کار فرهنگی :

آقای قرائتی می­گوید که من پس از سی سال کار فرهنگی فهمیدم هیچ کاری مثل دوستی اثرگذار نیست.

* لذا شما می­بینید گاهی دوستت که یک قانونی را هیچ وقت اجرا نمی­کرده الان در عالم رفاقت و احترام به دوستی با شما رعایت می­کند.

# 7) ارزانترین کار فرهنگی: "سلام کردن "

گاهی اوقات اتفاق افتاده است که شما دوست دارید فلان شخص به شما سلام دهد تا با او دوست شوید او نیز به همین قدر دوست دارد شما زودتر به او سلام دهید و با شما دوست شود. لذا شما از این فن زودتر استفاده کن.

پیامبر سلام الله علیه و آله همیشه زودتر از دیگران به آنها سلام می‌داد و در این کار از آنها سبقت می‌گرفت.

* ما خودمان همیشه وقتی می‌دیدیم کسی انگار دائما وقتی ما را می‌بیند راه کج می‌کند و می­رود آن طرف، تا با ما برخورد نکند در این مواقع عمدا او را می­گرفتیم و سلام می­دادیم و چند دقیقه با او خوش و بش می‌کردیم.

8) در خودسازی فنّی و حرفه‌ای فکر نکنید:

 بعضی از دوستان فکر می­کنند منظور از خودسازی، این است که اول یک دوره برویم فقط خودسازی و بعد از کار آموزی بیاییم حالا فقط جامعه­سازی نه این چنین نیست. خودسازی و جامعه­سازی در کنار هم است.

البته که نسبت دارد و غلظت آنها فرق می­کند.کسی که خودسازی ضعیفی کرده اول این قسمت را برود البته هرچه را که یاد گرفت عمل کند و اصلاً حوادث روزگار نیز این طور است که در طول همین خودسازی مجبور می­شود آزمایشی در قبال جامعه پس دهد؛ تازه اگر کسی بیاید و در این آزمایش­ها کنار بکشد اصلاً روش خودسازی صحیحی نداشته است و البته در این آزمایش­ها هم طوری حواسش باشد که یکدفعه غلظت جامعه­سازی­اش بیشتر نشود لذا حفظ این نسبت مهم است.

گاهی هم دوستان نیز به خاطر اینکه از زیر این حرف خودسازی در بروند می­گویند آقای بهجت گفت: هرچه را که بلدی عمل کن آنچه را که بلد نیستی یاد می­گیری. !

بزرگی چون آیت­الله بهجت در مسیر رسیدن به خدا استاد داشتند و استاد ایشان آیت­الله قاضی بود؛ خود آقای قاضی استاد داشتند، ملا حسینقلی همدانی ،خود ملا حسینقلی همدانی استاد داشتند و استاد ایشان استاد داشتند .

امام خمینی : همانطور که کلاس درس استاد دارد ،کلاس ورزش استاد دارد،کلاس اخلاق استاد دارد سیر الی الله نیز استاد دارد ،خود نمی توان مهذّب شد.

9) ایده فرهنگی از شیطان:

بزرگی می­فرماید: اگر در هنگام درس خواندن حتی فکر کنی که آیا این درسی را که داری می‌خوانی برای خدا است یا خیر و مدام فکر خود را مشغول به مسائل دینی کنی، طوری که یک لحظه می­بینی کلًا از فضای درسی بیرون رفتی چنین فکری از شیطان است.

 حتی با اینکه فکر کردن به مسایل دینی بوده جای این فکر کردن هنگام درس خواندن نیست، زیرا شیطان می­خواهد فکر تو را مشغول کند و از کار مهم بیاندازد. (شیطان برای هر کسی ترفند خاص خود را دارد برای مذهبی‌ها از در مذهب وارد می‌شود.)

و در واقع با ضربه­زدن به درس و زندگی، تو را از کار فرهنگی در آینده باز می­دارد.

لذا حتی برای مطالعه بزرگان می­فرمایند: در اول کار بگو خدایا این درس را برای تو می­خوانم والسلام. و اصلاً نیازی نیست مدام بگویی آیا برای خدا است یا خیر.

-حتی در مورد نماز : شیطان در نماز فکر شما را به کارهای فرهنگی مشغول می­کند.

-حتی در مورد خواب:

گاهی دوستانی هستند که می­گویند ما ساعت 12 می‌رویم بخوابیم ولی ساعت 2 خوابمان می­برد و مدام فکرمان مشغول است؛

اولاً نباید در ساعتی که برای خواب قرار داده شده و خدا آرامش را در شب قرار داده فکر فرهنگی کرد و هر وقت دیدی فکرت مشغول شده زود قطع کن حتی اگر دیدی فکر مهمی است در دفتر عناوین فرهنگی فقط عنوان آن را یادداشت کن.

دوماً: آنقدر وقت در صف نانوایی، توی اتوبوس و مترو، در پیاده­روی­ها تلف می­شود که به همه­ی جزئیات این عناوین می­توان فکر کرد.

سوما : حتی اگر فکر بد به ذهنتان می­رسد اصلاً اعتنا نکنید و زود قطع کنید و آیت­الکرسی بخوانید (و فضای ذهنتان را با آیات الهی پُر کنید) و سریع از خدا بخواهید که خوابتان ببرد زیرا خوابیدن نیز از خداست.

(البته در بقیه امور نیز بخواهید زیرا همه امور به دست خداست.)

مقام معظم رهبری می­گوید:« ما از خدا خواستیم داد شما بخواهید تا ببینید» .

10) نظم:

دوستان عزیز ! نظم چیز بسیار عجیبی است که جز با تمرین و الگوگیری حاصل نمی­شود.

حضرت علی‌علیه­السلام در وصیت نامه‌ی خود به امام حسن و امام حسین علیهماالسلام و تمام کسانی که این وصیت ایشان به آنها می­رسد وصیت می­کنند: شما را به تقوای الهی و نظم در امورتان سفارش می‌کنم.

استاد پناهیان: نظم در نماز اول وقت از توجه در نماز مهم­تر است. چه بسیار کسانی در آن جهان مشاهده کرده‌اند که فرد با یک عمل کوچک ولی منظم به چه مقاماتی رسیده است.

-داشتن تقویم کل سال در یک نگاه، ساعت، دفترچه یادداشت، برنامه روزانه و هفتگی و ماهانه و سالانه بسیار موثر است.

- یکی از علما در دستشویی زبان فرانسه را یاد گرفته‌اند.

-بزرگان می­فرمایند وقتی را برای خواب تعیین کنید و هر موقع به آن وقت رسیدید دیگر بروید سراغ خواب و اصلاً وقت را جابجا نکنید.

- برنامه­ریزی ناقص از برنامه­ریزی نکردن بهتر است.

خیلی از دوستان می­گویند ما هیچوقت نمی­توانیم به برنامه­هایمان برسیم باید گفت که اشکالی ندارد با برنامه‌ریزی هرچند که ناقص هم اجرا شود کم کم واقعا آدم منظم­تر می­شود. حداقل شب قبل از خواب ، برنامه‌ی فردای خود را بنویسید تا صبح تعیین تکلیف شده و پُر انرژی از خواب بیدار شوید و وقتمان گرفته نشود.

-مثلاً در دانشگاه پنج شنبه و جمعه­ها تعطیل می­باشد بهتر است که روز پنجشنبه زودتر از خواب بیدار شد و درس­ها را خواند که بتوان ساعتی را در دعای کمیل شرکت کنیم.

ـ واقعاً می­شود یک ساعت، دو ساعت یا بیشتر را از وقت­های اتلافی در آورد و به برنامه­های اساسی برای جامعه دست زد بدون اینکه وقت خود ما گرفته شود. کافی است دست به یادداشت و برنامه‌ریزی بزنید و وقت­های اضافی خود را بنویسیم.

دوستان طبق تحقیقات انسان به بیشتر از 8 ساعت خواب نیاز ندارد و از طرفی خواب زیاد ضرر هم دارد. پس مواطب باشید وقتتان را با خواب زیاد تلف نکنید.

11) بیت ‌المال:



همسر شهید مهدی باکری:

1\* به او گفتم :" توی راه که برمی­گردی، یه خرده کاهو و سبزی بخر."

گفت: من خیلی سرم شلوغه ،می­ترسم یادم بره. روی یه تیکه کاغذ هر چی میخوای بنویس. به من بده.

همان موقع داشت جیبش را خالی میکرد. یک دفتر یادداشت و یک خودکار درآورد گذاشت زمین. برداشتمشان تا چیزهایی که می­خواستم داخل دفترچه بنویسم .یک دفعه بهم گفت : ننویسی­ها

گفتم :مگه چی شده ؟.

گفت: اون خودکار مال بیت­الماله.

گفتم : من که نمی­خوام کتاب باهاش بنویسم .دو سه تا کلمه بیشتر که نیست.

گفت :"نه."

12) توکّل

روش صحیح اسلامی کارها این است که ابتدا تفکر و برنامه­ریزی کنیم، بعد مشورت، بعد شناخت مواضع دشمن، بعد شناخت مواضع خودی بعد توکل؛

پس توکل تنها کارساز نیست و تدبیر تنها کارساز نیست و هر دو باید با هم باشند.

 چه بسیار قصه‌هایی که تدبیر بوده ولی توکل نبود مثل جنگ اُحد که همه چیز بود ولی توکل نبود.

13) اخلاص

گاهی می­بینیم هر کاری که می­کنیم نتیجه­ی مطلوب حاصل نمی­شود و به اندازه­ی زحمتی که کشیده‌ایم نتیجه حاصل نشد. در این مواقع حتما به اخلاص فردی خود و اخلاص گروهتون توجه کنید آیا اخلاص داشته‌اید یا خیر ؟

کار را واقعاً برای خدا انجام داده­اید یا خیر ؟ تشکر از خدا و خلق خدا کرده­اید یا خیر؟

یک نکته :

-گاهی اوقات تنهایی و شکسته دلی خوب است:

گاهی اوقات می­بینی در عین اینکه این همه نیرو داری، ولی مجبور شده­ای کاری را به تنهایی انجام بدی، گاهی اوقات آنجایی که انتظار داشته­ای دوستان حمایت کنند غفلت کرده­اند،گاهی برنامه­ای چیده­ای و انتظار داشته­ای چند صد نفر بیایند ولی چند نفر بیشتر نیامده­اند و خلاصه تنها شده­ای و دلت شکسته است.

\*شهید چمران: دوست دارم تنها‌ترین آدم­ها باشم، مظلوم­ترین آدمها باشم، زیرا در این حالت به تو ای خدایم نزدیکترم.

\*امام علی‌علیه­السلام : دنیا دو روز است روزی به نفع تو و روزی بر علیه تو .

در روزی که به نفع توست مغرور نشو و در روزی که علیه توست صبور باش.

\*چه باشد نازش و نالش ز اقبالی و ادباری

 که تا بر هم زنی دیده نه این بینی ،نه آن بینی

یک نکته :

\*اصلاً خدا نمی­گذارد تو بیش حد به دیگری وابسته بشوی ،از تو آن را می­گیرد تا تو را متوجه خودش کند.

\* خدا نزد دلهای شکسته است.

-دوستان حتی بدانید خدا بعضی اوقات شما را عمدا تنها و غریب می­کند تا بدانید نباید به کسی جز خدا تکیه کنید؛ اتفاقا خدا چون تو را دوست دارد این کار را می­کند تا در این اوج شلوغی­ها و مشغله­های کار، یکدفعه خود را از خدا دور نکرده باشی، یکدفعه نفهمیده می­بینی چقدر دروغ گفته­ای، چقدر غیبت کرده­ای و حواست به خدا نبوده است.

14) - در کار جمعی چیزی به اسم ناراحتی نداریم:

نکته مهمی که حائز اهمیت است این است که ما اگر ناراحتی در کار فرهنگی ایجاد شد بدانیم اصلا ناراحت نباید باشیم و اگر ناراحت شدیم (خوب شاید طبیعی باشد) ولی اگر ناراحت ماندیم دیگه این غیر طبیعی است، باید از خودت بپرسی مگر این کار برای خدا نبود خوب شاید خدا نخواست این کار انجام گیرد، شاید خدا خواست با این شکست شما را مورد عنایتی یا آزمایشی قرار دهد.

 پس وظیفه چیست؟

وظیفه این است دوباره محاسبه کرده، عیب‌ها را دید و اخلاص را بررسی کرد و دوباره با نشاط و درس گرفتن از گذشته اقدام کرد.

15) و لو کنت فظاً غلیظ القلبک

خداوند به پیامبر می­فرماید: (ای پیامبر) اگر اخلاق خود را درشت (خشن) کنی از دور تو پراکنده می­شوند.

* دوستان گاهی اوقات اعضایی از گروه شما کارهایی خطا انجام می­دهند این خطاها گاهی نیز باعث خراب شدن یک برنامه هم می­شود، لذا در مورد کاری که اتفاق افتاد دیگر خود را ناراحت نکن (البته که تدبیرها و رفتارها و مهربانی‌ها و محاسبات باید به نحوی باشد که برنامه صحیح و خوب انجام شود ولی وقتی که اتفاق افتاد دیگر تمام و اصلاً ناراحتی بیش از حد خطاست.
* در سیره ائمه داریم که می­گویند ما قبل از اتفاق حادثه­ای اضطرار داریم ولی وقتی اتفاق افتاد دیگر افتاده است و خدا خواست.
* آقای پناهیان می­گوید: از ائمه داریم که می­فرمایند اگر مردم حکمت کارهای الهی را می­دانستند هیچ کس را سرزنش نمی­کردند.
* (البته امر به معروف و تنبیه در جای خود ولی سرزنش و خاک تو سرت ممنوع. اینکه مدام شکست طرف را به یادش بیاری ممنوع.)

 - از طرفی می­گویند وقتی گناه برادر مومن خود را دیدی با 70 دلیل و توجیه آن را کتمان کن.

ـ این نکات برای این هست که بیش از حد خودت را ناراحت نکنی و خشمگین نشوی.

- همیشه هرگاه نیروهات آن انتظاری را که داشتی بر آورده نکردند و از دست آنها ناراحت شدی با خود بگو این بچه­ها با تو باشند بهتر است با فلان رفقای بد باشند، آیا بچه‌ها با دوستانی که اصلاً احترامی برای شعائر ندارند باشند بهتر است یا با تو؟

به خودت بگو حداقل با تو که هستند یک مقدار رعایت می‌کنند.

- هر وقت اشتباهی از دیگران دیدی با یادآوری اشتباهات خودت، نفس خود را مهار کن.

اشتباهاتت را به یادت بیار و به خودت بگو : فلان بد قولی را کردم یا فلان دروغ را گفتم یا فلان چشم‌چرانی را کردم یا فلان عدم اطاعتی که از خدا کردم یا فلان عدم اطاعتی از پدر و مادرم کردم و....

ـ مواظب شیطان هم باشید زیرا شیطان می­آید و از اختلافات بین شما استفاده می­کند.

16) غرور

گاهی اوقات در برنامه­ها پیروزی نیز به دست می­آید و دیگران از شما تعریف می­کنند پناه ببرید به خدا از غرور که چیز ضربه زننده­ای است و خدا شما را با امتحانات سنگین مواجهه می­کند.

استاد پناهیان: خدا گاهی امتحان می­کند تا غرورت را بشکند و یا با ابتلائ به شدائد متواضع­ات می­کند از طرفی نماز هم برای رفع غرور است پس بهتر است به نماز بپردازی و از در افتادن با امتحانات الهی پرهیز کنی.

* بگو خدایا ما را با امتحان­هایی که طاقت آن را نداریم مواخذه نکن.
* حضرت علی علیه­السلام می­فرمایند: هرگاه کسی از تو تعریف کرد

بگو : اَللّهُمَّ لا تُوااخِذ نـِی بِما یَقُولُون :خدایا برای آنچه می­گویند مرا مواخذه نکن.

وَاجـعَل اَفـضَل مِـمّا یَظُنُّون :از آنچه می­پندارند مرا بالاتر قرار بده.

وَاسـتر مـاا لـاا یَعـلَمُون: آنچه را که نمی‌دانند را بپوشان.

در خط دوم دعا شما از خداوند می­خواهید مقام شما بالاتر هم برود و کارهای بیشتری و بزرگتری انجام دهید.

بالاخره ما خودمان می­دانیم که گناهانی هم داریم که در خط سوم دعا می­خواهیم خدا آنها را بپوشاند.

17) آینده­نگری

یکی از فرماندهان جنگ می­گفت: در یک عملیات ما این طرف رودخانه بودیم و دشمن آن طرف، دشمن هرچه آتش داشت ریخت روی آب و از روی آب نمی­توانستیم رَد شویم.

خلاصه دست آخر بلند شدیم زدیم به توسّل و زاری و گفتیم خدایا تو ما رو برسون لب ساحل آن طرف، خودمون می­دونیم دیگه با عراقی‌ها چکار کنیم؛

از قضا فردا شب زدیم به رودخانه و رسیدیم لب ساحل؛ باور کنید رسیدیم لب ساحل اونطرف، ولی خدا شاهده که یک قدم هم نتوانستیم جلوتر برویم.!

 دیدیم دیشب ما به خدا گفتیم خدایا ما را برسون لب ساحل و خدا رساند، ولی گفته بودیم خودمان بقیه راه رو می­رویم ولی نرفتیم.

چون نصف کار رو به خدا سپرده بودیم نه تمام کار رو.

دو نکته از این داستان :

یکی با دعا و توسل می‌شود چه‌ کارها که نکرد.

دوم: اول خدا و آخر خدا و بین این اول و آن آخر هم خدا و بعد هم خدا.

18) شرک فرد پرستی

حضرت علی‌علیه­السلام می­فرمایند:

یکی از حقوق مردم بر رهبر، این است که رهبر باید آنها را آموزش دهد.

-خیلی از افراد بخاطر عدم آموزش و دانایی کافی دچار اشتباهاتی می­شوند.

-در جنگ اُحد عدّه­ای شایعه­پراکنی کردند که پیامبر به شهادت رسیده است لذا عده زیادی دچار ناامیدی شدند و میدان جنگ را ترک کردند و فقط حضرت علی­علیه­السلام و عده­ی قلیلی باقی‌ماندند.

بقیه­ی نیروها خیال کردند حالا که پیامبر شهید شده است دیگر اسلام هم تمام شده است. اگرچه پیامبر شهید بشود ولی خدای پیامبر که هست و باید از اسلام دفاع می­کردند. نباید وابسته به افراد می­شدند.

لذا افراد گروه باید بتوانند در زمانی که رهبر گروه حضور ندارد مسائل را حل کنند که دو راه پیشنهاد می­شود:

1. کسب کردن توانایی در افراد گروه در حد رهبر گروه

2.آموزش رهبر گروه به افراد( حفظ خط فرهنگی از ایجاد خط فرهنگی مهمتر است.)

19) اگر نمی­توانید کاری را انجام دهید عذر خود را بگویید

داریم شخصی فقیر به پیش معصوم آمد و تقاضای کمک کرد، معصوم چیزی برای کمک نداشت، لذا با خوشرویی به او گفت: ان‌شاءالله بعداً بیایید شاید توانستم کمکی کنم.

-لذا دوستان در همه جا شاید برای شما مقدور نباشد پس با لفظ کریمانه عذرخواهی کنید. دیگر حالا چه برداشتی می­کند از این حرف‌ها رو بسپار به دست خدا نه بنده خدا.

20) خود اتّهامی : تو خود فکر کن رهبر گروهی

هر یک از افراد گروه باید طوری کار کنند که انگار آنها همه رهبر گروه هستند.

لذا گاهی که اشتباهاتی رخ می­دهد از طرف هر کسی هم که باشد؛ باید اعضای گروه هر کدام به خود بگوید که مقصّر رخ دادن این اشتباه در واقع خود من هستم زیرا من به عنوان یک عضو نتوانستم طوری کار کنم که جلوی اشتباه دوستم را بگیرم. من نتوانستم ایده­های خوبی بدهم که چنین مشکلاتی پیش آمده است.

- از طرفی رهبر گروه باید در مواقع اختلافات سعی کند فضای غبارآلود را جمع کند مثلاً:

1.در دیدار جمعی اعضاء یادآوری کند به اینکه شیطان اتفاقاً جای خوب را خراب می­کند.

2.اگر همدیگر را متهم کنیم به زودی گروه از هم خواهد پاشید.

3.آیا خوبی گروه ما بیشتر هست یا بدی گروه ما؟

4.از همه بخواد خدا را در نظر بگیرند نه حبّ شخصی و تشخیص من.

5.حتی در مورد کسانی که با این حرف­ها سر راه نمی­آیند، از دوستان نزدیک آنها بخواهید به خاطر رابطه­ی دوستانه­ای که دارند برای آنها روشنگری کنند.

 6.خود رهبر گروه، شخصی سراغ آنها رفته و در عذرخواهی هر چند که مقصر نیست پیش دستی کند.

 چرا که در ادبیات اسلامی چنین عذرخواهی بالاترین کرامت و عزت نفس است چرا که همه­ی عزت مال خداست و با این ها عذرخواهی­ها، عزت کسی پایین نمی­آید.

- حزب جمهوری اسلامی یکی از احزاب بزرگ انقلاب بود بر اثر حوادثی این حزب دچار اختلاف شد و از هم پاشید در جریان از هم پاشیده شدن آیت­الله­خامنه­ای به آقای جاسبی گفتند: آقای جاسبی بالاخره من یک طرف دعوا هستم و آقای فلانی طرف دیگر دعوا، شما این وسط بمان و کسانی که نه با من‌اند و نه با آقای فلانی، اینها رو دور خودت نگهدار، نکنه یک هو سر از آسیاب دشمن در بیاورند.

یک سئوال آیا ما برای مخالفین هم برنامه داریم؟ نکند اینها سر از آسیاب دشمن در بیاورند. -مشورت نیز باعث می‌شود که اگر احیاناً شکستی نیز پیش آمد بار شکست بر همه تقسیم شود و یکدیگر را متهم نکنیم.

21) جلسه کاری

جلسه کاری و پیگیری کارهای انجام شده بگذارید یا در این جلسه به صورت یک اتاق فکر برای مسائل فکر کنید.

* جلسه کاری از جمله مواردی است که اعضاء خود را مقید می­دانند و خود را منضبط می­کنند، خون تازه در آنها دمیده می­شود؛
* جلسه­ها را به دو جلسه تقسیم کنید :

جلسه تخصصی: برای نیروهای خاص، بالاخره واقعاً نمی­شود با 20 تا 30 تا نیرو مشورت کرد و جمع خاصی برای این کار لازم است. زیرا بحث تهذیب این افراد و خیلی کنترل­های دیگر است. البته هر زمان فرد مناسبی را برای جلسات تخصصی یافتید او را نیز وارد کنید چرا که این هم اشتباه است که او را وارد نکنید.

جلسه عمومی: خاصیت جلسه­ی عمومی این است که شما به سایر ایده­ها و نیروها فرصت می‌دهید‌.

چند دلیل برای برگزاری جلسه­ی عمومی :

اولاً : بعضی­ها استعداد­اند و در این جلسات شناخته می­شوند.

دوماً : بعضی­ها آموزش می­بینند که چطور فکر کنند، ایده­پردازی کنند و کار کنند و استعداد شوند.

سوماً: اعضا خود را داخل می­بینند و خود را شریک فکر و ایده­های سازمان می­بینند و حس تازگی و دخیل بودن را می­یابند. هرچه نیروها خود را دخیل­تر در کارها ببینند بیشتر علاقه­مند می­شوند و حتی قدرت کاری آنها بالاتر می­رود زیرا با علاقه بیشتری کار می­کنند.

22) نتیجه یا وظیفه

البته که ما در مورد کارهای فرهنگی دنبال نتیجه هستیم ولی اینطور نباشد که اگر نتیجه حاصل نشد ناامید بشویم چون ما مأمور به وظیفه­ایم نه کسب نتیجه. بخصوص در مورد کارهای فکری و نرم، زیرا مگر مسأله تغییر فکر کسی، راه‌حل یکی دو روزه دارد، مدت­ها طول کشیده تا این فرد فلان طرز فکر رو کسب کرده است حالا با دو روز که نمی­شود، تغییر پیدا کند.

23) شما که خوبید بیشتر بترسید :

فردی شیطان را در خواب دید از شیطان پرسید این زنجیرها که بر دوش داری چیست؟!

گفت این زنجیر بزرگ بزرگ برای فلان عالم بزرگ شهر و این زنجیر برای فلانی و این زنجیر برای بهمانی است. فرد پرسید پس زنجیر من کجاست گفت : تو که خودت بدون زنجیر داری میری سمت پرتگاه .

-لذا از این داستان درس عبرت بگیریم که شیطان اتفاقاً جایی را که خوب است نشانه می‌گیرد و می­زند نه جایی که خودش خراب هست و خودشون از شیطان بدترند.

-در مواجهه با مشکلات بگویید فلانی که بچه­ی بدی نبود؛ میگن بهمانی بدش کرد، بگویید بهمانی هم که بچه بدی نبود. بگویید این شیطان است که دارد از این فضا سوء استفاده می­کند. لذا هیچ وقت به شیطان فرصت ندهید.

24) اگر ما را دعوت نمی­کردند خودمان می­رفتیم

رهبر انقلاب می‌فرمایند: قبل از انقلاب ما موضوع سخنرانی را آماده می­کردیم. اگر دعوت می‌کردند می‌رفتیم سخنرانی و اگر دعوت نمی‌کردند می‌رفتیم و خود خوانده سخنرانی می‌کردیم.

برای منبر گاهی دعوت می‌کردند، گاهی هم بی‌دعوت میرفتیم - و هذا هو الغالب - دنبال این بودیم که بالاخره این مطلبی که فراهم کرده‌ایم، این مطالعه‌ای که کرده‌ایم، این منبری که آماده کرده‌ایم، به گوش مردم برسد.

ما با آن کسانی که وقتی برای منبر دعوتشان می‌کردند، میگفتند که این مقدار باید بدهید، یا چِکش را قبلاً باید بدهید، فرق داشتیم؛

25) از دیگران بخواهید: شما اول بخواه بعد بگو نمی­آیند

خیلی از ماها نه به مردم آموزش نمی­دهیم، نه اصلاً از مردم درخواست می­کنیم، نه از مردم تشکر می­کنیم، تازه با عصبانیت هم با آنها رفتار می­کنیم بعد می­گوییم مردم نمی­آیند.

26) هر جا هستید آنجا را مرکز عالم قرار دارد

رهبر انقلاب: در جمهوری اسلامی هرجا که قرار گرفته­اید، همان جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه­ی کارها به شما متوجه است.

وقتی از من سئوال کردند، بعد از اتمام دوره­ی ریاست جمهوری چکار می­کنید؟ گفتم: اگر امام به من بگویند که بروم رئیس عقیدتی-سیاسی گروهان ژاندارمری زابل بشوم، حتی اگر به جای گروهان، پاسگاه بود؛ من دست زن و بچه­ام را می­گیرم و میروم. یعنی برای من زابل مرکز دنیا می­شد. به نظر من بایستی با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید؛ در اینصورت، خدای متعال به کارمان برکت خواهد داد. 5/12/70

27) اگر چای دادن نیازه چای می‌دهم

رهبر انقلاب:

وقتی من در جایی بودم در ذهنم این بود که اگر حتی به من بگویند تو مسئول چایی ریختن باش، من قبول می‌کنم و می­روم عبایم را یک گوشه می­گذارم و آستین بالا می­زنم و چایی می­ریزم. واقعاً این روحیه­ی من بود.

من با این روحیه وارد شدم و بارها به دوستانم می­گفتم که آن کسی نیستم که اگر وارد اتاقی شدم، بگویم آن صندلی متعلق به من است و اگر خالی بود، بروم آنجا بنشینم و اگر خالی نبود، قهر کنم و بیرون بروم. نه خیر، من هیچ صندلی در هیچ جای خاصی ندارم. واقعاً معتقدم برای انقلاب باید اینطور بود.18/5/68

28) شهید باقری و توکل

یکی از شهدای که بسیار منظم و بسیار اهل محاسبات و دقت در ریز مسائل، شهید حسن باقری بود حالا بخوانید:

\*ده روز پیش گفته بود جزیره را شناسایی کنند، ولی خبری نبود. همه­اش می‌گفتند«جریان آب تنده، نمیشه رد شد. گرداب که بشه، همه چیز رو می­کشه توی خودش.»

\_ خُب چه کنیم؟ می­خواید بریم سراغ خدا، بگیم خدایا آب رو نگه‌دار؟ شاید خدا روز قیامت جلوت رو گرفت؟ پرسید تو اومدی؟ اگه می­اومدی کمک می­کردیم. اون وقت چی جواب میدی؟

\_ آخه گرداب که بشه...

\_همه­ش عقلی بحث میکنه. بابا تو بفرست، شاید خدا کمک کرد.

29) توجه بسیار به جوان و جوانی : یا ایّها العشرون و توجه به ایام مُحرّم

در حدیث هست ای بیست ساله­ها به هوش باشید؛ عزیزان سن بیست سال تا سی سال بسیار سن عجیبی است از نظر عبادت و تغییر و تهذیب به 20 ساله­های مسجد­تان و جامعه بسیار توجه کنید.

از طرفی محرم و صفر را دریابید امام صادق علیه­السلام می‌فرمایند: همه ما کشتی نجاتیم ولی کشتی امام حسین علیه­السلام هم سریع‌تر ، هم وسیع‌تر و ...

30) اول تبلیغات و بعد دعوت از سخنران بزرگ

در خیلی از کارهای متداول می­بینید اول در مورد برنامه­ای ابتدا حجم عظیمی از تبلیغات را در پیش می­گیرند و پس از مدتی که ذهن را از این فضا پُر کردند سپس کالای مورد نظر را عرضه می­کنند.

31) مدیریت زمان

حتما صحبت‌های آقای رائفی پور یا مطالبی که رهبر انقلاب در کتاب" من و کتاب" در مورد مدیریت زمان فرموده­اند، را بخوانید.

بخش مدیریت زمان وبلاگ khatfarhangi.blog.ir

32) انتقال تجربه و ایجاد رابطه و اطلاع رسانی

رهبر انقلاب می­فرمایند: ارتباط بین این قشرها را هم تعریف کنید؛ ارتباط ایجاد کنید؛ گاهى هست که بسیج دانشجویى مثلاً از بسیج پزشکان یا بسیج مهندسین یا بسیج صنعتگران بى‌خبرند، اطّلاعى از هم ندارند، نه؛ مطّلع باشند، ممکن است به درد هم بخورند. هرکدام از بخشهاى مختلفِ همین بسیج قشرها می­توانند به کار دیگرى کمک کنند، به پیشرفت او کمک کنند؛ اینها را تعریف کنید، اینها را در مجموعه‌ى خودتان داشته باشید.

دوستان ارتباط بین قشرها تعریف نمی­شود مگر اینکه من و شما تجربیات و دانش خودمان را عکس بگیریم، پاورپونت کنیم، پی­دی­اف کنیم، مطلب کنیم و در اختیار دیگر دوستان بگذاریم.

33) شائبه های ناروا

در جریان جنگ احزاب یهودیان نقشه کشیدند وقتی که پیامبر از شهر خارج شد بیایند و شهر مدینه را فتح کنند لذا پیامبر به حضرت علی علیه السلام فرمود: علی جان در شهر بمان.

یهودیان وقتی دیدند حضرت علی علیه­السلام در شهر مدینه مانده و او جنگجوترین یاران پیامبر است از شکست نقشه خود مطمئن شدند؛ لذا شائبه کردند پیامبر دیگر حضرت علی علیه­السلام را دوست ندارد.

این خبر به گوش حضرت علی علیه­السلام رسید حضرت به نزد پیامبر رفت و به پیامبر گفت: ای پیامبر اگر من رو دوست نداری لااقل من را از خودت نران. پیامبر در اینجا متوجه امر شد و حضرت علی علیه­السلام را دلداری دادند. لذا در تفسیر آمده شائبه­های ناروا حتی مردان بزرگ را ناراحت می­کند.

هر چه انسان خودسازی بیشتری داشته باشند انسان عمیق­تر می­شود و البته ناراحتی­ها کمتر ولی خوب بالاخره بحث ناراحت شدن پیش می‌آید.

34) مطالعه زندگی فرماندهان شهید

به عنوان نمونه­های عملی مدیریت اسلامی همین خاطرات فرماندهی شهدای دفاع مقدس را بخوانید. حقیقتاً درس‌آموز می­باشد.

35) نقد درون گفتمانی و نقد پذیری

نقد درون گفتمانی یعنی اینکه ما خودمان را از درون نقد کنیم: حاسبوا قبل ان تحاسبوا .

در زمینه نقد اینکه :

رهبری می­فرمایند: امام علی علیه­السلام به مالک اشتر توصیه کردند : نصیحت کسی را که حتی با روش بدی تو را نقد و نصیحت می­کند گوش بده.

36) یک لحظه به کارها بگو ایست، البته یک لحظه

می­گید بریم نمازجمعه، میگه کار دارم.

میگید خوب هفته پیش گفتی کار دارم حداقل این هفته بیاد بریم زیارت امامزاده، میگه کار دارم.

دوستان واقعا مواظب روزمرگی باشید چه دوستانی که سرشان به کار فرهنگی مشغول است و چه دوستانی که سرشان به کارهای اداری .

یک لحظه توقف بدهید حواستان هست خودتان هم مهمّ هستید.

37) وقتی شما مستمعی خوب استفاده کن چرا که از این فرصت­ها کم گیر میاد

اگر دقـت کنید می­بینید که در اکثر برنامه­ها ما خودمان پشت صحنه هستیم و لذا شاید از 10 برنامه­ای که گذاشته­ایم، نشده است حتی از یکی از آنها هم خود ما بهره­ی معنوی ببریم.

 لذا اگر بر حسب اتفاق در برنامه­ای مجموعه دیگری قرار دارد و شما در واقع مستمع هستید حال فرصت را در یابید و به درستی و با پرهیز از مشغله­های روزمره نظیر موبایل و غیره، خوب از برنامه استفاده کنید چرا که اگر دقت کنید می­بینید از این فرصت­ها کم پیش میاد.

38) شما خودت را با خدا صاف کن خدا خودش شما را با دیگران صاف می­کند

در حدیث است : اگر می­خواهید رابطه­هایتان با همه­ی مردم خوب شود، شما خودت رابطه­ات را با خدا خوب کن خدا رابطه­ی شما را با مردم خوب می­کند.

 لذا اینجا از آن جاهایی است که بدون وسیله می­شود کاری را انجام داد. شما خودت رابطه­ی خود را با خدا خوب کن خدا رابطه‌ات رو....

39) مدیریت از را دور نه ، مدیریت در صحنه

واقعا نمی­شود یکجا در خارج از محل کار نشست و دستور داد و همه دستورات نیز به درستی انجام شود.

 از طرفی وقتی که مدیریت از راه دور باشد، تحلیل درستی از فضا و اجرا صورت نخواهد گرفت.

در یکی از استانها، استاندار محل زندگی­اش خارج آن استان بوده و مثلاً اول هفته می­آمده و می‌رفته تا هفته­ی بعد؛ خوب این استاندار اصلاً با تمام پوست و گوشت و استخوانش نمی­تواند مسائل استان را درک کند.

40) استفاده از استعدادها در جای مناسب خود

این طبیعی است که در یک مجموعه فرهنگی از استعدادهای مختلف در جای مناسب استفاده شود و سعی شود برای همه­ی استعدادها برنامه داشته باشیم برای بچه­های با استعداد درسی، برنامه‌ای بگذاریم که به بقیه‌ی بچه‌ها درس بدهند و برای .....

41) اگر ده دقیقه وقت دارید همین ده دقیقه و اگر 20 دقیقه و ... :

در محیط دانشگاهی به دلیل اینکه دانشجویان اکثر وقت را برای درس می­گذارند، به افراد می­گفتیم چند دقیقه وقت خالی داری حتی اگر ده دقیقه بود برای آن برنامه می­ریختیم و مثلاً هر پنج شنبه ده دقیقه محیط نمازخانه را از نظر مرتب بودن بررسی و اقدامی کند.

بهترین برنامه برای دانشجویانی که میخواهند بسیار درس بخوانند این است که اینها در اوقات فراغت طول هفته و در عید نوروز و تابستان بیایند و یک دوره‌ی مطالعاتی انجام دهند تا اینکه نسبت به مبانی انقلاب اسلامی توجیه باشند تا فردا که بر سر کار می­روند با دغدغه و پشتکار مورد نیاز انقلاب کار کنند.

42) درس و کار فرهنگی : سخن رهبری

1377/12/04 بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی

البته دانشجویان بعد از درس خواندن، خیلی فعّالیتها در دانشگاه میتوانند بکنند. بی رودربایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال میکنید خوب است - حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست - بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اوّل است. فلسفه‌ی حضور شما در آن‌جا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمّه است؛ یعنی ذمّه‌اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمّه‌اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد. حالا در دنیا ممکن است کسی یقه‌ی کسی را در این‌طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی!؟ پس، اوّل درس خواندن است.

بلاشک درس خواندن همه‌ی وقت دانشجو را نمیگیرد؛ برای او وقتی باقی میماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاست بازی نمیگویم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین‌طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی میگیرند و نه حرفی میزنند! بنده در موقعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق میدهند. یک وقت هم دانشجو را در همه‌ی مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروهها و جناح ها است-بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.

43) گاهی یک نیرو اثر ویژه­ای می­گذارد که مدیر ندارد : داستان حضرت یونس (علیه­السلام)

وقتی حضرت یونس علیه­السلام از قوم خود نا اُمید شد آنها را نفرین کرد و آنگاه سوار بر کشتی شد و به دریا رفت.

 در راه طوفان دریایی رخ داد و بنا به رسم آن زمان قرعه­کشی کردند تا یکی را در دریا بیاندازند و هنگامی که قرعه بنام حضرت یونس علیه­السلام افتاد او را به دریا انداختند.

ماهی بزرگی به دستور خدا او را گرفت و حضرت یونس علیه­السلام در شکم ماهی محبوس شد و پس از مدتی آن ماهی به اذن الهی حضرت را در ساحل همان سرزمین پیاده کرد، حضرت یونس علیه­السلام دید که عذاب الهی قومش را در بر نگرفته است.

 وقتی علت را خواستار شد، دید فردی از قومش که آدم خوبی بود پس از مشاهده علائم عذاب آن قوم را نصیحت کرد که چرا به گفته­های حضرت یونس علیه­السلام گوش نکردید؛ مردم پشیمان شدند و توبه کردند و خدا عذاب را از آنها برداشته است.

44) چگونه می­توان کار کرد ولی خسته نشد و بالاترین مزد را نیز دریافت کرد

اجری که خداوند متعال می­دهد، به مراتب بالاتر و ارزشمندتر و شیرین­تر از اَجر و مزدهایی است که در دنیا به انسان می­دهند؛ چه اَجرهای مادی و چه حتی تشکر. ممکن است یک وقت یک کاری بکنیم و مردم از ما تشکر کنند، این هم یک مزدی است، امّا مزد الهی خیلی از اینها بالاتر است.

 بدانید هر کاری می­کنید، هر خدمتی که به مردم می­کنید ،این نزد خدای متعال مضبوط و محفوظ است. وقتی با این روحیه کار کنید، از کار خسته نمی­شوید، کار، دیگر ما را فرسوده نمی‌کند.

45) گزینش نا مَحسوس

 رهبر انقلاب : مواظب مجموعه خود باشد همه را بیاورید ولی یک گزینش نامحسوس نیز داشته باشید.

- این گزینش نامحسوس علی­الخصوص در بخش انتخاب مدیران حتما توصیه می­گردد.

46) معاون تحلیل و بررسی

توجه : در کنار رئیس شورای اسلامی (به دلیل اینکه رئیس شورا خیلی سرش شلوغ است ) یک فرد تحلیل­گر و برنامه­ریز قرار دهید تا این فرد با فراغ بال بیشتر برای مسایل، جزئیات کار و موارد زیر را برنامه­ریزی کند:

1.دلایل پیشرفت مجموعه­های فرهنگی

2.کتب مناسب برای مدیر، و اعضاء

3.برنامه­ریزی برای اوقات فراغت بچه­ها از جمله روزهای تعطیل هفته و عیدنوروز و تابستان از لحاظ مسائل آموزنده و دانشی و .....

# 47) همّت بلند در کارها داشتن

داستانی از اساتید اخلاق پیرامون قرار دادن همّت بلند در کارها و سطح بالا نگاه کردن.

روزی خدا به حضرت موسی علیه­السلام فرمود: به سرزمین مصر برو و پیکر حضرت یوسف علیه‌السلام را بیاور. حضرت موسی علیه­السلام به مصر رفتند و از هرکسی پرسیدند، کسی آنرا بلد نبود؛

یکی گفت: پیرزنی کور و ناتوانی را می‌شناسم که سن زیادی دارد شاید او بلد باشد، با حضرت پیش آن پیرزن رفتند.

حضرت موسی علیه­السلام از پیرزن پرسید آیا شما نشانی قبر حضرت یوسف علیه­السلام را داری‌؟

پیرزن گفت : بله‌.

حضرت گفت‌: پس ما را راهنمایی کن. پیرزن گفت : شرط دارد، حضرت گفت : هر چه می‌خواهی بگو.

پیرزن گفت : اول اینکه خدا من را هم مقام تو در بهشت قرار دهد‌، و دوم اینکه من را یک جوان 17 ساله کند.

( حضرت موسی به پیرزن گفت : نمی خواهی بگی چرا شرط ناممکن می‌گذاری).

از طرف خدا وحی آمد : ای موسی شرطش را بپذیر من از همّت این بنده­ام خوشم آمد. و حضرت موسی علیه‌السلام شرطش را پذیرفت.

- لذا دوستان تا می­توانید همّت و دعاهای خود را بالا قرار دهید و از خدا بخواهید. در روایات داریم که حتی نمک سفره­تان را هم از خدا بخواهید.

# 48) اختلاف و عفو و بخشش

آقایان تا جایی که می­شود از اختلاف­ها بگذرید خیلی از این اختلاف­ها که ما داریم اصلًا مباحث اصلی و کلیدی نیست و قابل گذشت است.

 رهبری در سخنرانی در جمع مسئولان فرهنگی در سال 1373 صحبت قابل تامل دارند که یک بخش آن قابل توجه است و آن اینکه می­فرمایند شاید شما با هم اختلاف داشته باشید ولی من شما را مجموع آن 313 نفر می­دانم؛ رهبر انقلاب به نوعی بر نقاط مشترک تاکید می­کنند تا اختلاف؛

 این اختلاف­ها در یاران پیامبر نیز بود تا آنجایی که حدیث هست اگر آنچه سلمان میدانست به مقداد می­گفت‌: مقداد یا سلمان را می­کشت یا او را به کفر متهم می­کرد‌.

 (البته این اختلاف در سطح بالایی از نظر کیفی بوده ) لذا تا می­توانید این اختلاف­هایی که در فروعات هست را کنار بگذارید.

* در حدیث داریم عیب برادر مومن را با 70 دلیل تراشی نادیده بگیرید.

رهبر معظم انقلاب :

شاید بعضی از شما، همدیگر را هم نشناسید، یا با هم کار نکرده باشید و یا بعضی از شما، در بعضی دیگر، عیوبی را سراغ داشته باشید. به طوری که اگر بپرسند «حاضرید با بغل دستی خود کار کنید» بگویید: «نه. من با این فرد کار نمیکنم.» ممکن است این‌طور باشد و شما عیبی را در همدیگر ببینید. اما من که از یک نقطه‌ی دیگر به مجموعه‌ی شما که بعضی از شما شاعرید، بعضی از شما فیلم سازید، بعضی از شما نمایشنامه نویسید، بعضی از شما نویسنده‌اید، بعضی از شما موسیقی دانید و بعضی از شما سینما گرید، نگاه میکنم، عیوب احتمالی را - که شاید وجود داشته باشد، شاید وجود نداشته باشد - نمیبینم. من مجموعه‌ی شما؛ چه آخوندتان، چه غیرآخوندتان، چه زنتان، چه مردتان و چه جوان و پیرتان را - پیر، الحمدللَّه، خیلی ندارید - همان‌طور که گفتم - جمعی از آن سیصد و سیزده نفر را میبینم.

-ما با فردی از یک هیات بسیار خوب صحبت می کردیم و از هیاتشان تعریف می کردیم به ما گفت : خیال نکنید من همه اش مثل شما فکر می کنم ما عیب هایی داریم ها.! گفتیم : درست است ما نه که عیبی ندیدیم ولی خیر و خوبی آنها را بیشتر دیدیم.

رهبر معظم انقلاب :

دو سه جمله هم به شما بسیجى‌هاى عزیز و همه‌ى بسیجى‌هاى سراسر کشور عرض بکنم: من دعوت میکنم بسیجیان عزیز را به اخلاق. اخلاق یعنى چه؟ یعنى حلم و بردبارى، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکارى، طهارت و پاک‌دامنى. بسیجى‌ها براى اینکه اجزاى این بناى استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بناى رفیع همین‌طور مستحکم مثل دژِ پایدار و استوارى درمقابل دشمنان قرار بگیرد، باید این رعایتها را بکنید؛ بردبارى نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهاى بزرگ صدر اسلام را درنظر بیاورید. ما باید از تکبّر دورى کنیم، از تَفَرعُن دورى کنیم. مالک‌اشتر با آن مقام، با آن شجاعت، با آن جایگاهى که نزد امیرالمؤمنین داشت، در کوچه حرکت میکرد، یک پسربچّه‌اى او را نشناخت، مسخره‌اش کرد، شاید سنگ‌ریزه‌اى به طرفش پرتاب کرد؛ مثلاً دید یک آدمى دارد میرود، بنا کرد مسخره کردن؛ بعد مالک‌اشتر رد شد، افرادى که آن منظره را دیدند، به پسرک گفتند فهمیدى چه کار کردى، فهمیدى چه کسى را مسخره کردى، پسر بچّه مالک اشتر را نمى‌شناخت، گفت نه؛ گفتند این مالک‌اشتر بود؛ پسربچّه دستپاچه شد؛ حالا خودش تنها یا خودش و پدرش مثلاً یا دوستانش دوان دوان آمدند که یک‌جورى عذرخواهى کنند که برایشان مایه‌ى دردسر نشود؛ دنبال مالک‌اشتر راه افتادند، دیدند به مسجد آمده، دارد نماز میخواند؛ رفتند جلو و بنا کردند عذرخواهى کردن؛ مالک‌اشتر گفت من آمدم مسجد براى اینکه نماز بخوانم، دعا کنم که خداى متعال خطاى این جوان را ببخشاید! ببینید، این دلسوزى، این احساس مسئولیّت، این حلم، این بزرگوارى، اینها است. من و شما هم باید همینها را یاد بگیریم.‌ بسیجى‌ها براى اینکه اجزاى این بناى استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بناى رفیع همین‌طور مستحکم مثل دژِ پایدار و استوارى درمقابل دشمنان قرار بگیرد، باید این رعایتها را بکنید؛ بردبارى نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهاى بزرگ صدر اسلام را درنظر بیاورید. ما باید از تکبّر دورى کنیم، از تَفَرعُن دورى کنیم.

 همچنین توصیه‌ى اکید میکنم به استحکام و عدم سایش اعتقادى و ایمانى و عملى؛ مراقب باشید. ماها در این مسیر زندگى، آنجایى که با وسوسه‌ها مواجه میشویم؛ وسوسه‌ى پول، وسوسه‌ى شهوات، وسوسه‌ى مقام، وسوسه‌ى رفاقت، ساییدگى پیدا میکنیم؛ سایش پیدا میکنیم مراقب باشید سایش اعتقادى پیدا نکنید، شما بر روى محیط اثر بگذارید، نگذارید آن محیط اگر بد است، روى شما اثر بگذارد.پروردگارا! آنچه را گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت و مقبول و مرضی خودت قرار بده؛ آنها را در دل ما - در درجه‌ی اول، دل خود من که گوینده‌ی این حرفها بودم، بعد هم در دل دوستان عزیزی که حضور دارند - مؤثر و کارگر بفرما؛ ان‌شاءاللَّه این روزها و این ساعات را مایه‌ی خیر و نفع ما در قیامت قرار بده و مایه‌ی حسرت ما در قیامت قرار مده. پروردگارا! قلب مقدس ولیعصر (ارواحنافداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ روح مطهر امام بزرگوار را از ما راضی و خشنود کن؛ ارواح مطهر شهدای عزیز و گرانقدر انقلاب اسلامی را از ما و رفتار ما و عمل ما راضی و خشنود بفرما.

49)ـ بیست میلیون بار بهشت و بیست میلیون بار جهنّم:

شهید رجایی در مورد حساس بودن کار مردم میفرمود :یا ما بیست میلیون بار به بهشت می‌رویم یا ما بیست میلیون بار به جهنّم می‌رویم.

# 52) ـ نیّت پاک

 در مورد شهید چمران داریم که به فقرا کمک می­کرد بدون اینکه بداند آیا واقعاً فقیر هست یا خیر و می­گفت: من باید برای وظیفه­ی خودم کار کنم نه حال آن شخص. در موارد که شک دارید واقعا کسی فقیر است یا خیر ؛ مقدار کمکی کمتر کنید.

# 53) ـ تغییر راهبرد در جهت مناسب :

یکی از روحانیون میفرمود: ما که به حوزه شهرمان رفتیم، دیدیم عجب اوضاعی است، بچه­های سال سه، چهار در این حوزه اصلاً در حد حداقلیات حوزه هم نبودند، و مایی که ریش داشتیم و نماز شب می­خواندیم را مسخره می­کردند .

گفتیم چکار کنیم و چکار نکنیم، رفتیم سراغ بچه­های سال اول حوزه و کم کم آنها رو با خودمان همراه کردیم و خلاصه نگذاشتیم مثل سال­ بالاتری­ها شوند، بعد از یه مدتی این بچه­های سال اوّل اتفاقاً به ما می­گفتند : ما را برای نماز شب بیدار کنید، و خلاصه اوضاع سال اولی­ها خیلی خوب شد.

تازه جالب هست بدانید حتی آن سال بالایی­ها هم کم کم با ما دوست شدند و آمدند در خط ما.

# 54) لزوم صبر :

ـ هنگامی که شیخ بهایی از لبنان به اصفهان آمد، بر خلاف انتظارش،که فکر می­کرد این شهر چون مرکز حکومت شیعیان در ایران است و باید شهر بسیار خوبی باشد ، اینجا که همه دارند دزدی می‌کنند، و همه مغازه ها کم­فروشی و گران­فروشی می­کنند.!

 خلاصه همان روزی که آمد تصمیم گرفت برگردد، داشت مقدمات رو فراهم می­کرد که برگردد ،یکی آمد به او گفت: یا شیخ ، شما روز اصفهان را دیدی ،صبر کن تا شب اصفهان را هم ببینی.

شیخ بهایی گفت: خوب باشه، شب اصفهان را هم می­بینیم.

نصف شب که شیخ به مسجد رفت تا مناجات و نمازشب بخواند، دید در مسجد مَملو و کیپ تا کیپ آدم نشسته دارد نماز شب می­خواند.

 از اینجا بود شیخ بهایی تصمیم گرفت در اصفهان بماند و آن خدمات عظیم را انجام دهد.

شما هم روز دانشگاه را می­بینید، اصلاً رفتید نمازخانه خوابگاه و نیمه شب را هم ببینید؟.

# 56) برنامه­ریزی برای سنهای مختلف :

ـ برای کودکان برنامه­های جدا ، برای نوجوان برنامه‌های جدا و برای جوانان برنامه­های جدا و برای بزرگسالان و پیرمردان برنامه­های جدا بگذارید.

برخی برنامه برای این قشرهای متفاوت:

ـ کودک: بازی ، تفریح، جایزه و اردو.

ـ نوجوان : کلاس قرآن‌، احکام، نهج البلاغه + بازی‌، تفریح، جایزه و اردو، مسابقات و برنامه های ورزشی، مسئولیت دادن برای انجام کار ها، آموزش‌های علمی‌، درسی ، فنّی، مستند ، گیم نت ،فیلم ، فوتبال دستی

ـ جوان : برنامه های مطالعاتی ، فکری ، گفتگو ، مستند ، گیم نت

ـ بزرگسال: استفاده از توان مالی

پیرمرد‌ها : تایپ کردن مطالب خوب ، دوخت و دوز لباس برای کمک به بچه‌های فقیر

59ـ لزوم صبر در کارفرهنگی :

ما یک امام جمعه­ای داشتیم که بسیار در شهرستانی که قبلاً آنجا کار می­کرد و بسیار موفق بود؛ ولی بعد از چند ماهی بنده خدا از دست مسئولین و مشکلات خسته شد.

پسرش تعریف می­کرد و می­گفت: پدر ما رفت قم پیش یکی از اساتید ، و گله و شکایت کرد و کسب تکلیف کرد که چکار کنم ؛

 اون استاد فرمود : اگر میتوانی برو جلوی حرم حضرت معصومه سلام­الله­علیها و امام رضا علیه‌السلام بایست و بگو : خسته شدم.

ـ فرزند ایشان گفت : پدر ما که جرات نکرد برود، بالاخره اون که به اندازه­ی ائمه مصیبت ندیده بود.

امام جمعه پس از این داستان قصد کرد در شهرستان بایستد و کار را ادامه دهد، خدا را

شکر الان واقعا کارهای کم نظیری کرده و حتی تکیه­اش را بر روی مردم آورد و مردم به طور نسبتا خوبی حمایت کردند.

# 60ـ ظرفیت مسئولیت داشتن

 امام خمینی:که خدایا قبل از اینکه آدم ظرفیتش را پیدا نکرده ، دنیا به او روی نیاور .

61ـ تدبیر بسیار کارساز برای جلوگیری از اختلاف

ـ هنگامی که حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای رهبر شدند، حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز به عنوان یک چهره بسیار شاخصی برای رهبری نیز مطرح بودند حضور داشت.

گاهی کسانی پیش آیت‌الله فاضل می­آمدند و مسایلی را مطرح می­کردند که چرا شما را رهبر نکردند و فضای سخن­چینی راه انداخته بودند ؛

حضرت آیت­الله فاضل خیال همه سخن پراکندگان را راحت کرد و نامه­ای به آیت‌الله‌خامنه‌ای نوشت و در نامه بیان داشتند که: اگرکسی گفت که آقای فاضل این انتقاد را از رهبری کرده‌اند، بدانید دروغ گفته است، ما اگر چیزی باشد مستقیماً به خود شما عرض می‌کنیم. ( من الله توفیق )

این یک تدبیر است بین دو نفر که جایگاه بالایی در مسجد یا محله وجود دارد و راه را بر شیطنت‌ها می‌بندند و واقعاً دو نفر که جایگاه بالا دارند واقعا باید چنین تدبیرهایی کنند وگرنه فضا مشوش می‌شود‌.

# 62ـ چند حدیث

ـ امام باقر علیه‌السلام : سستی وکاهلی به دین و دنیا ضربه می‌زند.

ـ پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌و‌آله : بر امّت خود از چند چیز بیش از چیزهای دیگر بیم دارم: 1- ضعف در ایمان 2- شکم پرستی 3- خواب آلودگی

ـ صلوات بلند فرستادن نفاق را از بین می‌برد. لذا دوستان هم خود و هم بچه‌های مجموعه‌تان بلند صلوات بفرستید.

پیامبر اکرم به حضرت علی­علیه­السلام فرمود:

ـ یک زمانی می­آید که مردم دنبال کثرت اعمال­اند‌، تو دنبال اخلاص عمل باش‌،

مردم دنبال عیب دیگرانند‌، تو دنبال عیب خود باش‌، مردم به دیگران وابسته­اند‌، تو به خالق وابسته باش.

# 63ـ توکل بر خدا

ـ در داستان داریم که حضرت موسی علیه­السلام، ایّامی را مریض شدند، از خدا خواستند تا شفایی قرار دهد، خدا نیز به حضرت فرمودند : برو و فلان گیاه رو بخور.

 حضرت موسی علیه‌السلام رفتند و آن گیاه را خوردند .

بعد‌ها دوباره حضرت موسی علیه­السلام دوباره همان مریضی را گرفتند و این دفعه نیز رفتند همان گیاه را خوردند ولی اثر نکرد.

 از خدا پرسید : خدایا چرا خوب نشدم، خدا فرمود : زیرا این دفعه بدون درخواست به ما رفتی و به آن متوسل شدی.!

 لذا در همه حال و حتی در حالی که توانایی لازم را برای انجام کارها را دارید، توسل را فراموش نکنید.